



تحقیقات ایرانی

از سفر محمد قزوینی به اروپا تا تأسیس دوره دکتری ادبیات فارسی

تحقیق و تتبع علمی و انتقادی، در زمینه‌های مختلف فرهنگ ایرانی، یکی از مظاهر دلپسند آشنایی ایرانیان با تمدن مغرب زمین است. اما این آشنایی بیش از شصت سال سابقه ندارد. پیش از آن آثار ادبا و فضیلاي ایران در نشر اطلاعات ادبی بر همان روال و اسلوبی بود که آثار چندین قرن پیش از آن، یعنی به صورت کتبی نظیر چهارمقاله، لباب الالباب، تذکره دولتشاه و بالاخره تذکره‌های معروفی چون آتشکده و مجمع الفصحا.

نخستین باری که در جریان تحقیقات ادبی و تاریخی، تا حدودی، روشهای اروپائی تحقیق مورد عمل قرار گرفت هنگامی است که محمد حسن خان اعتمادالسلطنه مقدم (صنیع الدوله)، در عهد ناصرالدین شاه قاجار، عده‌ای از فضیلاي زمان را برای اداره امور انطباعات و تألیف و ترجمه کتب گردآورد و به وسیله کار دسته جمعی و فردی که دانشمندان حوزه تأسیسی او انجام میدادند، عده‌ای کتب و رسائل با ارزش به وجود آمد و مخصوصاً از لحاظ اینکه درین دستگاه، تنی چند مترجم وجود داشت که از زبانهای فرانسوی و انگلیسی و روسی و آلمانی و ترکی تألیفات قدیم و جدید اروپائیان را به فارسی ترجمه می‌کردند، آشنائی محققان ایرانی با آثار اروپائی وسعت یافت و نشر این نوع

* آقای ایرج افشار رئیس دانشمند و صاحب نظر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

نوشته‌ها در نحوه تحقیقات ایرانیان مؤثر واقع شد.^۱
تحقیقات مربوط به ادبیات و زبان فارسی، بطور کلی فرهنگ ایرانی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اول

از زمانی است که میرزا محمدخان قزوینی به انگلستان می‌رود (سال ۱۳۲۲ هجری قمری) و در آنجا، به خزانه کتب خطی موزه بریتانیا، کتابخانه دیوان‌هند (هردودرلندن) و کتابخانه‌های دانشگاه‌های کمبریج و اکسفورد (بودلیان) دسترسی می‌یابد و هم‌آنکه بامستشرقین آشنایی پیدامی‌کند و روش علمی آنان در مدتی کوتاه مورد عمل و اقتباس او قرار می‌گیرد. بالاخره به واسطه همکاری با پرفسور ادوارد براون موفق می‌شود که عده‌ای از متون مهم زبان فارسی (چون مرزبان نامه، چهارمقاله، المعجم، جهانگشای جوینی، لباب الالباب) رامیان سالهای ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۹ منتشر سازد. انتشار همین متون بود که ادبا و فضیلاي ایران را به روش جدید و انتقادی طبع متون و اسلوبی که باید در انتخاب نسخه بدلها و ضبط نسخه اساس و الحاق تعلیقات به کاربرد متوجه ساخت و پس از آن مورد عمل کسانی واقع شد که در ایران به طبع و نشر متنهای قدیم پرداختند. البته ابای ایران پیش از آن کم و بیش متونی را که توسط اروپائیان انتشار یافته بود (مانند چاپ‌های سه‌گانه شاهنامه بتوسط تونرماکان، موهل، فولرس و سفرنامه ناصر خسرو و سیاستنامه نظام‌الملک چاپ شفر، بوستان چاپ گراف و نظایر آنها) می‌شناختند ولی کتب تصحیح و منتشر شده توسط قزوینی، بی‌تردید، اثری عمیق‌تر و اساسی‌تر بجای گذاشت.

دوره دوم

- دوره دوم تحقیقات ادبی از سال ۱۳۳۴ قمری (۱۹۱۶ میلادی) آغاز می‌شود. در این سال، روزنامه کاوه در برلین تأسیس و نشر شد و مدت شش سال متوالیاً انتشار یافت. البته در چهار سال اول آن، مقالات ادبی و تحقیقی بسیار نادرست، مگر بعضی مقالات از مستشرقان و معرفی «بهترین تالیفات فرنگیها درباره ایران» که خود فصل مهم و تازه‌ای بود برای آشنایی ایرانیان بانوشته‌های تحقیقی خارجی. کاوه در سال ۱۳۳۴ قمری به یکی از مهمترین مسائل مربوط به زبان و ادب ایران توجه کرد که هنوز پس از سالیان دراز مطرح بحث است و آن رسم الخط نگارش فارسی است. شاید یادداشت کوتاهی که کاوه در شماره ۳۲ تحت عنوان «اخطار راجع به رسم الخط» منتشر ساخت نخستین نکته و دقت نظر در این موضوع ادبی و فرهنگی باشد که در نشریات ادواری زبان فارسی دیده می‌شود.^۲

در همان ایام، رساله‌ای به قلم حسین کاظم زاده ایرانشهر به نام «راه نو» در خصوص اصلاح خط فارسی در برلین نشر شد که در شماره ۳۳ کاوه مورد بحث قرار گرفت و پس از آن محمدقزوینی مقاله‌ای کوتاه در زمینه رسم الخط در کاوه منتشر ساخت که کاملاً تخصصی و علمی بود و دال بر آنکه متخصصان و ادبای زبان نحوه اصلاح رسم الخط و دقت در مشکلات و مسائل آن رایجی از دقائق ادبی و فرهنگی می دانسته‌اند.

کاوه از شماره ۳۵ (جمادی آخر ۱۳۳۸) تغییر اساسی یافت و به صورت روزنامه‌ای سیاسی درآمد و بنحوی که در مقدمه دوره جدید آن آمده است «روزنامه تازه‌ای می‌شود که مندرجات آن بیشتر مقالات علمی و ادبی و تاریخی خواهد بود». درین دوره است که مقالات تحقیقی سید حسن تقی زاده در باب «مشاهیر شعرای ایران» به چاپ می‌رسد و دو سال مدت می‌گیرد. در این سلسله مقالات شرح احوال فردوسی، دقیقی، ابوالموید و ابوشکور بطرز علمی و اسلوب انتقادی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین مقالات مربوط به مزدک (بقلم سید محمد علی جمال زاده)، شعر پهلوی و شعر فارسی قدیم (بقلم کریستن سن)، تاریخ روابط ایران و روسیه (بقلم سید محمد علی جمال زاده بطور ضمیمه)، شعر قدیم ایران (بقلم عباس اقبال)، نامه امیر تیمور گورکان به شارل ششم پادشاه فرانسه (بقلم محمدقزوینی)، چاپخانه و روزنامه در ایران (بقلم سید حسن تقی زاده)، موسیقی قدیم ایران (بقلم عباس اقبال) هر یک در زمان نشر، بواسطه نازگی و استواری تحقیق مورد اقبال بسیار قرار گرفت.

یکی از مهمترین مسائلی که مورد توجه کاوه واقع شد و طبعاً تاثیر نیکویی در محیط ادبی ایران یافت، طرح مسئله زبان فارسی بود. بدین معنی که کاوه می‌خواست زبان فارسی را از قید و بند و بار بی بندوباری روزنامه نویسان به درآورد و نادرست نویسی را مغلوب کند. بدین منظور تحت عنوان «محک ذائقه»، «چهار دوره زبان فارسی»، «ترقی زبان فارسی»، «ادبیات خان‌والده» نمونه‌هایی از نوشته‌های صحیح و سقیم را نقل می‌کرد و بالاخره با طرح «استفغابی» درباره نحوه ترجمه اصطلاحات خارجی، مطلب جدیدی را پیش کشید. کاوه همچنین سعی داشت که اشتقاق سازی‌های عامیانه و خرافاتی را که با علوم آمیخته شده بود از میان بردارد. لذا با انتشار مقالات و قطعاتی تحت عنوان «مناظره شب و روز» «فقه اللغة غربی» ایرانیان را به لزوم پیروی از رویه انتقادی درین نوع مباحث که در اروپا کاملاً جنبه علمی پیدا کرده بود متوجه ساخت.

دوره دوم تحقیقات ادبی ایران که از زمان تأسیس روزنامه کاوه و نشر مقالات تحقیقی آغاز شد با انتشار چند مجله دیگر تقویت شد. در این دوره بیشتر محققان و ادبا به انتشار مقاله پرداختند و بطور کلی «مجله» میدانی آماده و دلپذیر بود برای نشر تحقیقات و آراء

وعقاید علمی مربوط به ادب فارسی .

مقارن انتشار کاوه دربرلین ، مجله «دانشکده» در تهران تأسیس شد (۱۲۹۷) .
دانشکده نخستین مجله‌ای است که در ایران به انتشار تحقیقات جدی ادبی و نیز مباحث
استحسانی در باب شعرو زبان پرداخت. **ملك الشعراى بهار** که مؤسس مجله است در نخستین
شماره آن نوشت : «مجله دانشکده برای ترویج روح ادبی و تعیین خط مشی جدیدی در
ادبیات ایران ایجاد می‌شود ... در غره ماه ربیع‌الاول سنه ۱۳۳۴ يك جلسه كوچكى از
يك عده جوانان ادیب خوش طبع در تهران تشکیل شد که آن جلسه را جزیک انجمن كوچك
ادبی^۲ نمی‌توانستیم نامید . در آن انجمن فقط غزلهایی به‌روال متغزلین قدیم ایران طرح
و اعضاء در روی آن اقتراحات غزل می‌گفتند . رفته رفته ، اعضاء آن زیادت شد . در
اوایل سال ۱۳۳۵ انجمن كوچك شعری ما خود را قادر دید که در روی اصول تازه علمی
که شامل ندقیقات نظمی و نثریه و ترجمه ادبیات خارجی باشد ورزش نماید .»

یکسال پس از «دانشکده» مجله مشهور «ارمغان» انتشار یافت که هم اکنون نیز
منتشر می‌شود. این مجله هم یکی از وسائل نشر تحقیقات نویسندگان و ادبا قرار گرفت .
از مجلات دیگری که در پیشرفت تحقیقات ادبی مؤثر افتاد مجله «ایران شهر» چاپ
برلین است . این مجله به اهتمام حسین کاظم زاده ایران شهر مدت چهار سال از ۱۳۰۰
تا ۱۳۰۴ نشر شد و حاوی مقالات تحقیقی در احوال شاعران و ادبا و بحثهای تحقیقی در
باب زبان و ادب بود ، و محققانی چون رشید یاسمی ، ابراهیم پورداود ، عباس اقبال ،
صادق رضازاده شفق ، محمد قزوینی از نویسندگان آن بودند .

پیشرفت تحقیقات ادبی در دوره دوم کاملاً و یکسره مرهون انتشار مجلات ادبی
است . همانطور که اشاره شد این دوره با نشر روزنامه کاوه در برلین آغاز شد . پس از آن با
انتشار سی‌چهل مجله دیگر که هر یک مدتی کوتاه چاپ می‌شد موجبات نشر مقالات و تحقیقات
امکان یافت و یک نوع «مسابقه» ای میان ادبا و فضلا در نوشتن مقالات ایجاد شد .

از مجلات معتبر دیگری که در دوره دوم تحقیقات ادبی شروع شد و نشرش مؤثر
افتاد مجله «آینده» است . این مجله اصولاً جنبه سیاسی داشت ولی قسمتی زیاد از صفحات
خود را به طبع مقالات تحقیقی اختصاص داد و مقالاتی که در زمینه های مختلف تحقیق ادبی
از احمد کسروی ، سعید نفیسی ، غلامرضا رشید یاسمی ، میرزا طاهر تنکابنی ، محمود
درگاهی (دبستانی) اسمعیل امیرخیزی و محمود عرفان در آن منتشر شد از منابع
مطالعات آیندگان بود . آینده در آن دوره به مدت دو سال انتشار یافت .

مجله‌های دیگر دوره دوم تحقیقات ادبی عبارت است از فروغ (رشت) ، تقدم (تهران)
علم و هنر (برلین) . و بالاخره دو مجله آرمان و شرق (۱۳۰۹) که هر یک ازین دو مدت

يك سال انتشار یافت ولی در هر يك از آنها مقالات تحقیقی فضلی معروف آن زمان نشر شده است مانند مقالات بدیع الزمان فروزانفر ، عباس اقبال ، احمد کسروی ، ملک الشعرای بهار ، رشید یاسمی ، نصرالله فلسفی ، سعید نفیسی و دیگران .

درین دوره روزنامه های معتبر تهران چون شفق سرخ ، و ایران نیز به درج مقالات تحقیقی می پرداختند و عددهای از مقالات سید حسن تقی زاده ، عباس اقبال ، سید محمد طباطبائی ، ملک الشعرای بهار ، سعید نفیسی ، رشید یاسمی و دیگران که درین روزنامه ها در زمینه های ادبی و فرهنگی به چاپ رسیده قابل توجه است .

ناگفته نماند که درین دوره انجمن آثار ملی (در سال ۱۳۰۱) و کمیسیون معارف (در سال ۱۳۰۲) به وجود آمد . وظیفه بنیان اولی نگاهبانی و مرمت ابنیه تاریخی و خدمت دومین بنیان ترجمه و انتشار کتب بود .

دوره سوم

- دوره سوم از سال ۱۳۱۳ آغاز و به دوران تاسیس دوره دکتری در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ختم می شود . در سال ۱۳۱۳ دو اقدام مهم فرهنگی انجام گرفت که هر یک از آن دو در پیشرفت تحقیقات ادبی و سرنوشت آن بسیار موثر واقع شد . این دو اقدام عبارت است از تاسیس دانشگاه تهران ، و برگزاری کنگره فردوسی .

تاسیس دانشگاه تهران موجب تجمع اکثر محققان و دانشمندان رشته های ادبی درین مرکز و تربیت افرادی بود که بعدها عده ای از آنها منشاء خدمات برجسته در گسترش و توسعه تحقیقات ادبی شدند .

برگزاری کنگره فردوسی (که همزمان با آن آرامگاه فردوسی در طوس به وسیله اعلیحضرت رضاشاه کبیر افتتاح شد) از موجباتی بود که میان محققان ایرانی و مستشرقان ایجاد ارتباط کرد ، بنحوی که هم مستشرقان امکان یافتند که با ادبا و محققان ایران آشنا شوند و هم ایرانیان از نزدیک بانحوه و اسلوب تحقیقی علمی اروپائیان آشنا شدند و حضوری یافتند .

یک سال بعد ، یعنی در ۱۳۱۴ فرهنگستان ایران تاسیس و افتتاح شد و چهل تن از دانشمندان و محققان طراز اول به عضویت آن برگزیده شدند . با ایجاد فرهنگستان تا حدودی موجبات همکاری علمی و کار دسته جمعی میان ادبا و فضلی ایران پیش آمد .

وزارت معارف (فرهنگ) هم درین دوره منشاء خدمات مفید و متعدد بود . از اهم آنها تاسیس کتابخانه ملی ، تاسیس موسسه مردم شناسی ، تهیه عکس از نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه های ممالک دیگر (به اهتمام محمد قزوینی که در پاریس زندگی می کرد) طبع متون ادبی و تاریخی ، ایجاد موزه های ایران باستان و مردم شناسی و اقدام به حفريات

علمی باستانشناسی را می‌توان ذکر کرد . هر يك ازین فعالیتها بنحوی وحدودی در ترویج و توسعه تحقیقات ادبی و مطالعات انتقادی ایرانی مفید واقع شد .

در زمینه انتشار کتاب ، فعالیت دو مؤسسه بیش از مراکز انتشاراتی دیگر مفید و قابل ذکر است . یکی کلاله خاور که به مدیریت محمد رمضان از سال آغاز به کار کرد و بانی طبع و نشر عده‌ای از متون معتبر زبان فارسی شد . دیگر « کتابخانه طهران » بود که حسین پرویز آن را بنیاد گذارد . این مؤسسه هم در انتشار متون فارسی و تحقیقات مربوط به تاریخ و ادب ایرانی خدمات شایسته‌ای انجام داد .

از مجلات مهمی که از سال ۱۳۱۳ بعد در ایران انتشار یافت و مدت شش سال محل انتشار مقالات و تحقیقات ادبی معروفترین محققان کشور بود مجله مهر است که نصراله فلسفی مدیریت آن را بر عهده داشت . همچنین از مجله تعلیم و تربیت (که بعد به آموزش و پرورش موسوم شد) باید نام برد . این مجله هم از تحقیقات ادبی خالی نبود . مجله ادبی دیگری که ذکر نام آن لازم است مجله « ایران باستان » است که به وسیله اداره تبلیغات به وجود آمد . درین مجله نیز مقالات محققان به چاپ می‌رسید . در اصفهان ، مجله باختر که مدت دو سال (۱۳۱۲ بعد) نشر شد از لحاظ احتواء بر مقالات ادبی تحقیقی مفید بود .

۱ - با وجود این ، روش تحقیقات دانشمندان و فضایی ایران در آن عهد قابل انتقاد بود و به همان ملاحظه بود که نویسنده بیداردلی چون میرزا فتحعلی خان آخوندزاده در مذمت و نقد اسلوب تذکره نویسی و لفاظی و بی‌مایگی ادبای آن زمان رساله‌ای به نام « قریکا ، خطاب به اعتضاد السلطنه شاهزاده (علیقلی میرزا) وزیر علوم نوشت . تصور می‌رود که آن رساله بطور محدودی در حلقه اهل علم و تحقیق آن روزگار مورد بحث قرار گرفته باشد .

۲ - ناگفته نماند که علی‌الظاهر نخستین مقاله درباره زبان فارسی مقاله‌ای است که مرحوم یحیی دولت‌آبادی تحت عنوان « زبان ما » به سال ۱۲۹۳ شمسی (۱۳۳۳ قمری) در مجله « عالمی » منتشر ساخته است .

۳ - ناگفته نماند که محفله و انجمنهای ادبی از عصر صفوی بعد در اغلب شهرهای ایران وجود داشت و مرکز تجمع ادبا و فضلا بود ، ولی هم اصلی آنها طرح مسائل مربوط به شعر و خواندن شعر بود . در همان وقت که حوزه مجله دانشکده تشکیل شده بود « انجمن ادبی ایران » در تهران وجود داشت و اغلب ادبای تهران در آن عضویت داشتند .

این انجمن در آن عهد مرجعیتی داشت و به خدمات و تحقیقات مستشرقان متوجه بود تا آنجا که به مناسبت فوت ادوارد براون به انعقاد مجلس تذكری اهتمام کرد . بعدها انجمن حکیم نظامی ، انجمن ادبی تهران ، انجمن صائب و چند انجمن دیگر به وجود آمد .